

بنام خداوند بخشنده مهربان

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

سرشناسه: اسماعیلی، رضا، ۱۳۴۰ -
عنوان و نام پدیدآور: خاطرات و خون دل معمار انقلاب اسلامی / رضا
اسماعیلی، علیرضا مجلسی فر، حسین کاظمی.
مشخصات نشر: اصفهان: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوراسگان، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری: ۹۵ ص.
شابک: ۵۰۰۰۰ ریال: ۷-۳۳۸۳-۱۰-۹۶۴-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
موضوع: خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری
اسلامی ایران، ۱۲۷۹-۱۳۶۸. - دوستان و آشنایان -
مجلسی فر، علیرضا: شناسه افزوده:
کاظمی، حسین، ۱۳۵۱- شناسه افزوده:
مجلسی فر، علیرضا، ۱۳۵۰-گردآورنده شناسه افزوده:
دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوراسگان شناسه افزوده:
DSR ۱۵۷۶/۴ / الف ۲ خ ۱۳۹۴ رده بندی کنگره:
۹۵۵/۰۸۴۲۰۹۲ رده بندی دیویی:
۴۰۰۷۰۳۹ شماره کتابشناسی ملی:

ناشر: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد
اصفهان (خوراسگان)

نشانی: اصفهان، خیابان جی صندوق پستی: ۸۱۵۹۵-۱۵۸
تلفن: ۰۳۱۳۵۳۵۴۰۰۱-۹ فاکس: ۰۳۱۳۵۳۵۴۰۶۰

خاطرات و خون دل معمار انقلاب اسلامی

رضا اسماعیلی
علیرضا مجلسی فر
حسین کاظمی

تعداد: ۳۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول

تاریخ نشر: ۱۳۹۴



خاطرات و خون دل معمار انقلاب اسلامی

رضا اسماعیلی
علیرضا مجلسی فر
حسین کاظمی

فهرست مطالب:

مقدمه:

دکتر رضا اسماعیلی

بخش اول

۸ خاطرات شیرین از معمار انقلاب اسلامی

بخش دوم

۷۱ خون دل معمار انقلاب اسلامی از متحجرین

بخش سوم

۸۱ تحجر از منظر مقام معظم رهبری

نامه رهبر معظم انقلاب به جوانان اروپا و

۹۱ آمریکای شمالی (شناخت بی واسطه از اسلام)

ایام الله دهه فجر و سالگرد تولد انقلاب اسلامی بر شما مبارک. انقلابی که با رهبری و تدبیر و حکمت امام خمینی^(ع) با الهام از قرآن، سنت نبوی و سیره علوی آغاز شد و با حضور اقشار جان برکف، متعهد و متحد مردم ایران در بهمن ۱۳۵۷ به بار نشست و پرتو دیگری از اسلام ناب محمدی (ص) را به جهانیان عرضه داشت. بازگشت به معنویت و اخلاق، انس و الفت و در پیش گرفتن مسیر تعالی و پیشرفت و استقلال، برافراشتن پرچمداری آزادی و در یک کلمه جمهوری اسلامی ارمان بزرگ انقلاب اسلامی است. در حال حاضر ما در دهه چهارم انقلاب اسلامی که رهبر معظم انقلاب اسلامی آنرا دهه پیشرفت و عدالت نامیده اند قرار داریم. مسئولیت، تکالیف و تعهدات تک تک ما در عرصه های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و فناوری سنگین است. حفظ وحدت و انسجام و نشاط در درون جامعه اسلامی ایران و استمرار بالندگی و پویایی انقلابی و پیشرفت علمی و معنوی و شکوفایی اقتصادی و صنعتی و تعامل سازنده در عرصه بین الملل با جهان و منطقه از جمله راهبردهای موفقیت آمیز انقلاب اسلامی است که باید بر آن تکیه کرد و با گام نهادن در مسیر آرمان های امام خمینی^(ع) و معیارهای ترسیم شده رهبر فرزانه انقلاب اسلامی آنرا تعمیق بخشید. مجموعه کوچکی که در اختیار شماست با خاطراتی از امام خمینی^(ع) شروع می شود که هر کدام می تواند برای زندگی و ابعاد مختلف آن برای یکایک ما درس آموز باشد. علاوه بر خاطرات شیرین با امام^(ع) در این مجموعه به یکی از دغدغه های والای امام^(ع) که به خاطر آن خون دل خورد و فدا شدن در این

مسیر را راه حل دانست و به عنوان چراغ راه برای حرکت آیندگان عرضه داشتند. بخش پایانی تبیین ها و رهنمودهای مقام معظم رهبری است که مسیر حرکت بر مبنای عقلانیت و دین را به ما نشان می دهد. اوج این رهیافت را می توان در نامه رهبر معظم انقلاب اسلامی به جوانان اروپا و آمریکای شمالی ملاحظه کرد.

دانشگاه آزاد اسلامی به عنوان پرچمدار آزاد اندیشی در دهه چهارم انقلاب اسلامی و با هدف تحکیم پیوند نسلهای سوم و چهارم انقلاب با انقلاب اسلامی و آرمانهای امام راحل و پرچمدار آن در عصر حاضر مقام معظم رهبری است.

این مجموعه کوچک را تهیه و تدوین نموده و در اختیار اصحاب اندیشه و اهل قلم بویژه دانشجویان عزیز به عنوان سرمایه های فردای ایران اسلامی قرار داده است. امید است مفید فایده باشد.

در پایان لازم است از هدایت ها و حمایت های ارزشمند جناب آقای دکتر فروغی ریاست محترم دانشگاه تشکر نمایم و قدردان زحمات همکاران در دفتر مطالعات و پژوهشهای فرهنگی، حوزه معاونت فرهنگی و اجتماعی دانشگاه و همچنین جناب آقای علیرضا مجلسی فر در گرد آوری و چاپ این مجموعه باشیم.

دکتر رضا اسماعیلی

معاون فرهنگی و اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی

واحد اصفهان (خوراسگان)

امام و قرآن

امام که آمده بودند ایران - سال ۵۷ - خب ما اول یک نظر امام را دیدیم، روزی که ایشان وارد شدند آن جا زیارت کردیم امام را بعد هم شب که آمدند مدرسه‌ی رفاه یک نظر دیدیم، نزدیک هم نرفتم که مبادا مزاحمشان بشویم که همه‌ی دورشان را گرفته بودند، می‌بوسیدند، من گفتم، من یک نفر حداقل اذیت نکنم امام را، نرفتم، [گفتم] بعد می‌رویم خدمت امام. فردا شبش بود ظاهراً، یا یکی دو شب بود که آن مدرسه‌ی علوی بودند، فرستادند ما را خواستند، بنده و بقیه‌ی برادرانی که عضو شورای انقلاب بودیم ماها را خواستند. من وارد اتاق شدم، سر شب بود دیدم امام نشستند پشت قرآن دارند قرآن می‌خوانند. حالا کی است؟ دو سه روز بعد از ورود امام، آن روزهایی که شماها لابد یادتان هست در خیابان ایران و آن محوطه‌ی اطراف چه خبر بود از جمعیت و ولوله‌ی جمعیت. امام مراجعات به او شده، آمده‌اند، رفته‌اند. حالا غیر از این که مردم آمده‌اند مراجعه کردند، افراد خصوصی، سیاستمداران، روحانیون، - نمی‌دانم - دوستان قدیمی، افراد متفرقه آمدند خدمت امام، یکی پیشنهاد کرده، یکی پرسیده، یکی چیزی گفته، مرتب مشغول بود امام. سرشب ایشان در این همه غوغا که حالا بعدش هم باز یک عده‌ای بخوانند ملاقات کنند، یک عده‌ای کار دارند، تا آخر شب باز امام کار داشت، در همه‌ی این غوغاها بعد از نماز مغرب و عشا ایشان نشستند بودند در یک

اتاق تنها انگار که در این دنیا هیچ خبری نیست قرآن را باز کرده بودند، مشغول قرآن خواندن بودند. یعنی امام یک روز هم قرآن خواندن یادشان نمی‌رفت؛ مرتب قرآن می‌خواند. ببینید این دل با قرآن آشناست که این جوری است.

بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در جلسه درس تفسیر قرآن کریم

۱۳۶۰/۱۱/۰۹

روز دوم فروردین سال ۴۲ مثل همین حالا در مقابل چشمم قرار دارد...

بعد از قضایای مدرسه‌ی فیضیه و آن حوادث کذایی، اول شب خودمان را با دوستان به این‌جا رساندیم - چون همه از این خانه نگران بودند که چه خواهد شد - از آن در حیاط کوچک وارد شدیم و دیدیم که ایشان آن گوشه‌ی حیاط ایستاده‌اند و مشغول اقامه‌ی نماز مغرب و عشا هستند و جمعی هم با ایشان مشغول نمازند. آن چنان طمأنینه‌ی در وجود ایشان بود که هر اضطرابی را تمام می‌کرد؛ اصلاً کأنه هیچ حادثه‌ی اتفاق نیفتاده است؛ واقعاً مثل کوه استوار ایستاده بودند و مشغول نماز بودند؛ بعد هم از آن پله‌ها بالا آمدند و به اتاق دست چپ تشریف بردند و نشستند؛ طلبه‌ها هم ریختند که بیانات ایشان را بشنوند.

از جمله‌ی حرفهای ایشان در آن روز - که عین شدت اختناق و تسلط دستگاه ستمگر بود - این بود که گفتند اینها خواهند رفت و شماها خواهید ماند و ما از این سخت‌ترش را هم دیده‌ایم؛ تحمل و ایستادگی کنید. این برای ما درس امید است. حقیقتاً استقامت ایشان در مقابل شداید و امیدشان به آینده این بود؛ و همین است که امروز هم می‌تواند ملت ما را پیش ببرد؛ یعنی امید به آینده و ایستادگی در مقابل مشکلات. ایشان درس عملی و عینی این را دادند و راهشان این راه بود.

بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به هنگام بازدید از منزل حضرت امام

خمینی^(ع) در قم ۱/۱۲/۱۳۷۰



مستحبات را نسبت به ایشان انجام دهید

امام به قدری در جریان شهادت حاج آقا مصطفی آرام برخورد کردند که وقتی ما جریان را به ایشان بازگو کردیم ایشان انگشتان خود را به آرامی تکان داده و سه مرتبه فرمودند: ((انا لله و انا اليه راجعون)) و تنها جمله ای که بعد از کلمه استرجاع بر زبان راندند این بود که: ((سعی کنید مستحبات را نسبت به ایشان انجام دهید))

*به نقل از: حجة الاسلام و المسلمین سید احمد خمینی (ره) پیام انقلاب

شماره ۷۰

تنها کسی که آرام بود

وقتی قرار شد امام به کویت نروند و مقصد پاریس باشد، به دلایل امنیتی می‌بایستی این خبر مخفی می‌ماند و به همین دلیل ما در آنجا روزهای بحرانی را پشت سر می‌گذاشتیم. شب آخر که قرار شد عده‌ای از اصحاب خاص امام با ایشان حرکت کنند من خیلی مضطرب بودم و خوابم نمی‌برد. بلند شدم و نشستم. دیدم آقا هم که معمولاً آن وقت شب بیدار هستند نشسته‌اند. وقتی دیدند بیدار شدم به آرامی به من گفتند: ((بخواب)). سحر که امام قصد حرکت داشتند تمام اهل خانه حالت واقعاً عجیبی داشتند، نفس از سینه هیچ کس بیرون نمی‌آمد، انگار هیچ کس در خانه نبود. تنها کسی که خیلی آرام بود امام بود، ایشان از ما خداحافظی کردند و با اخوی رفتند.

به نقل از: فریده مصطفوی - روزنامه اطلاعات - ۱۳۶۰/۱۲/۱۱

آرامش در مسیر عراق به فرانسه

از پرواز هواپیمایی که ما را از عراق به فرانسه می برد دو سه ساعت می گذشت که ما متوجه شدیم در طبقه دوم هواپیما زندانی شده ایم. چرا که وقتی یکی از ما تصمیم گرفت در همان طبقه به دستشویی برود یکی از سه نفری که از ما محافظت می کردند بلند می شد و او را تعقیب می کرد. برای اینکه یقین کنیم درست فهمیده ایم که ما را زندانی کرده اند یا نه، مرحوم املائی بلند شد تا گشتی در طبقه اول بزند، نگذاشتند و او برگشت. بحث و گفت و گو بین ما که همراه امام بودیم شروع شد که یا می خواهند ما را سر به نیست کنند یا بدزدند یا خیال زندانی کردن ما را در کشوری دارند و از این قبیل موارد. اما امام از شیشه پنجره هواپیما پایین را نگاه می کردند، انگار اصلاً در چنین سفر حساسی نیستند.

به نقل از: حجة الاسلام و المسلمین سید احمد خمینی حضور _ شماره ۳

این دنیا و آن دنیا برای من فرقی نمی‌کند

سال ۵۸ وقتی فشار امام پایین آمد، وقتی درد قفسه وجود داشت، وقتی احساس کرد که در واقع دارد به طرف مرگ می‌رود، خیلی آرام بود. حالا یک عده ممکن است دست پاچه بشوند و بگویند دو تا صلوات آخر را هم بفرستیم در حالی که ایشان یک اقیانوسی از آرامش در مقابل مسایل بودند و جالب اینکه بعد از اینکه فشار بالا آمد و به حال طبیعی برگشت ایشان به حاج احمد آقا گفته بودند که ((این دنیا و آن دنیا برای من فرق نمی‌کند. من کاری را که باید بکنم، کرده و وظیفه ام را انجام داده ام، منتها یک مقدار مسایل راجع به انقلاب مانده که آنها ناتمام است.))

به نقل از: دکتر حسن عارفی - حضور - شماره ۸

آرامش خاص خودشان را داشتند

وقتی در سال ۶۰ قضیه ی ترور آیت الله خامنه ای پیش آمد من در تهران بودم همه در مانده بودند که این خبر را چگونه به امام گزارش بدهند آقای (حسن) صانعی از من به عنوان طبیب سؤال کرد اگر من بخواهم این خبر را به امام بدهم شما چه تدبیری را پیشنهاد می کنید؟ فکر کردم و گفتم اگر یک قرص آرام بخش در داخل جای ایشان حل کنیم و بعد از نیم ساعت قضیه را مطرح کنیم خوب است آقای صانعی در مورد این کار استخاره کرد و گفت بد است و بعد خودش این قضیه را مضطربانه خدمت امام نقل کرد. بعد به من گفت فلانی قبل از اینکه مطلب را به امام بگویم امام به من فرمودند در مورد آقای خامنه ای مسأله ای پیش آمده است؟! بعد که تصدیق کردم فرمودند به دکتر معالج ایشان بگویید هر نیم ساعت تمام علایم حیاتی ایشان اعم از حال عمومی فشار خون - تعداد نبض - تنفس و... را به من گزارش کند. امام آرامش خاص خودشان را داشتند.

به نقل از: دکتر پور مقدس - از پزشکان معالج امام (ع).

آنچه باید بشود می شود

یکی از برادران در مورد شبی که بنی صدر فرار کرده بود، تعریف می کرد که در شب پیروزی انقلاب گویا وقتی همه مسؤولان و اطرافیان به این می اندیشند که چه باید کرد. امام سر ساعت همیشگی خوابشان، رختخواب پهن کردند و آماده خواب شدند. وقتی اطرافیان به ایشان گفتند: ماجرا چنین پیش رفته است. امام فرمودند: هر چه شده است شده است و آنچه باید بشود می شود. شما کار و وظیفه و تکلیفتان را انجام دهید. بقیه اش دست خدا است. حالا از اینکه من بخوابم یا نخوابم کاری نمی توانم انجام بدهم. جز اینکه کارهایی را که باید بعد از خواب انجام دهم دچار نقص می شود.

به نقل از: مرضیه حدیده چی .

دیگه چی؟

روزی که شاه رفته بود بعد از نماز صبح آمدم خدمت امام و عرض کردم برادرانِ می گویند شاه رفته و رادیو هم خبرش را پخش کرد. طبیعتاً همه ذوق زده شده بودند و خوشحالی می کردند. ولی جز عبارت ((دیگه چی؟)) کلمه دیگری از امام شنیده نشد.

به نقل از: مرضیه حدیده چی - سرگذشت های ویژه از زندگی امام خمینی - جلد ۴.

آیا به ما شلیک خواهد شد

وقتی آیت‌الله سوار بر هواپیمای ایرفرانسه شد خبرنگاران و همراهان از خود می‌پرسیدند آیا به ما شلیک خواهد شد؟ هیچ کس جوابی نداشت؛ اما آیت‌الله بعد از گرفتن وضو و خواندن نماز تا ساعت پنج بعد از ظهر خوابیدند (امام خمینی^(ع) کمی دیگر ماست خوردند و سپس یکی دیگر از تبعیدیها که نتوانسته بود شب را از (اضطراب) بخوابد توجه (امام) خمینی را به شهر تهران که چهارده سال آن را ندیده بود جلب کرد.

به نقل از: حسنین هیکل - روزنامه جمهوری اسلامی - ۱۳۶۰/۴/۱۸

دایم مشغول مطالعه بودند

تا آنجا که من به یاد دارم امام همیشه مشغول مطالعه بودند و از منزل بیرون رفتنشان برای تدریس در مسجد سلماسی قم بود. عصرها یک ساعت و نیم به غروب مانده می رفتند برای درس و برمی گشتند و صبحها برای درس پیش از ظهر می رفتند و باز برمی گشتند. شب بعد از شام می خوابیدند؛ اما بعد از نماز صبح برای مطالعه بیدار بودند.

به نقل از: زهرا مصطفوی.

به درسشان خیلی مقید بودند

خانم مصطفوی: مادر جان شنیدم عروسی شما در ماه مبارک رمضان بود، در حالی که رسم نیست در ماه رمضان ازدواج کنند. چرا؟

همسر امام: چون درسها تعطیل بود.

خانم مصطفوی: یعنی حضرت امام تا این حد به درس مقید بودند که حتی برای ازدواجشان حاضر به تعطیل کردن درس نبودند؟

همسر امام: بله آقا به درسشان مقید بودند. می گفتند چون درسها تعطیل است. (وقت ازدواج مناسب است)

به نقل از: فصلنامه ندا - شماره ۱۲.



پشت کتابها دیده نمی شدند

امام را از موقعی که به یاد دارم میان کتابهایشان می دیدم. گاهی اوقات می شد وقتی برای چای بردن به اتاق ایشان می رفتیم، می دیدیم کتابهای زیادی را نیمه باز در اطرافشان چیده و مشغول مطالعه هستند. کتابها به قدری زیاد بود که خودشان پشت کتابها دیده نمی شدند. امام اکثر اوقات در خانه بودند و همیشه مشغول مطالعه و تنها یک ساعت و نیم به غروب مانده برای تدریس از منزل بیرون می رفتند.

به نقل از: فریده مصطفوی - روزنامه اطلاعات - ۱۳۶۰/۱۲/۱۱

مطالعه را دوست دارند

امام مطالعه را دوست دارند و هنوز که هنوز است به قدری مطالعه می کنند که چشمشان خسته می شود. یادم هست در ایام تعطیلی که تابستانها به یکی از شهرها و یا تهران می آمدم به قدری کتابهای متنوع مطالعه می کردند که صدای کسانی که برای ایشان کتاب تهیه می کردند در می آمد. اکثر نوشته های نویسندگان بزرگ جهان را خوانده اند. چه در زمینه های اجتماعی و چه سیاسی، پر مطالعه ترین روحانی بودند. تاریخ ایران را بارها مطالعه کرده اند و تاریخ مشروطه را خوب می دانند.

به نقل از: حجة الاسلام و المسلمین سید احمد خمینی - جهاد روستا
- شماره ۷۵

نظم مطالعاتی امام تغییر ناپذیر بود

جریان شهادت مرحوم حاج آقا مصطفی نه تنها در حالت روحی و فکری، بلکه در نظم برنامه روزمره امام اثر نگذاشت. ایشان ساعتی از روز را برای مطالعه کتابهای جدیدی که به دستشان می رسید اختصاص داده بودند و به عنوان مثال تمامی کتابهای مرحوم دکتر شریعتی را مطالعه می کردند. و به خصوص به آثار آقای مطهری بسیار علاقه داشتند و آثار ایشان و آقای طالقانی را قبول داشتند. در مورد کتابهای دکتر شریعتی نیز معتقد بودند آنقدرها که به این آثار اعتراض و حمله می شود، بی مورد است و تا این حد انحراف در میان آنها وجود ندارد. خاطر م هست که در آن ایام کتاب ((طلوع انفجار)) حاج سید جوادی را مطالعه می کردند. حاج احمد آقا می گفت: وقتی امام از تشییع جنازه فرزندشان باز گشتند، ساعت مطالعه کتابهای روزمره شان بود. کتاب ((طلوع انفجار)) را باز کردند و به مطالعه آن پرداختند.

به نقل از: حجة السلام و المسلمین دعایی - روزنامه اطلاعات - ۱۳۵۹/۸/۳

روزنامه چه شد؟

امام برای اینکه بیشتر با جریانات داخلی و خارجی سر و کار داشته باشند بیشتر ساعت‌های خود را به مطالعه می‌گذرانند؛ یعنی شاید حداقل روزانه هشت ساعت مطالعه می‌کنند که ابتدایی‌ترین آنها خواندن تمام روزنامه‌های صبح و عصر است و جالب است که اگر پنج دقیقه از وقت آمدن روزنامه‌ها بگذرد پشت در می‌آیند و می‌فرمایند: ((روزنامه‌ها چه شد؟))

به نقل از: حجة السلام والمسلمین انصاری کرمانی - پیام انقلاب - شماره ۵۰

یا در حال عبادت یا در حال مطالعه

بعد از آمدن امام به نجف، مدتی طول کشید که خانواده شان آمدند. امام در خانه ای محقر و اجاره ای سکونت داشتند که در یک قسمت خودشان می نشستند و قسمت دیگر هم حکم بیرونی را داشت. در مدت شبانه روز واقعاً امام یا در حال عبادت و یا در حال مطالعه بودند. این کار منظم ایشان، درس بزرگی برای آنهاپی بود که به بیرونی امام رفت و آمد داشتند و وضع امام را از نزدیک می دیدند.

به نقل از: حجة السلام و المسلمین عباسعلی عمید زنجانی - پا به پای

آفتاب - جلد ۴ - صفحه ۳۸.

سفارش به مطالعه پرتوی از قرآن

امام خواندن کتاب ((تفسیر پرتوی از قرآن)) مرحوم آیت الله طالقانی را به اینجانب توصیه فرمودند. روزی دیدم مرحوم حجت السلام حاج آقا سید مصطفی خمینی هم ((پرتوی از قرآن)) می خوانند. ایشان هم گفتند امام خواندن این کتاب را به من سفارش فرموده اند.

به نقل از: حجة السلام و المسلمین دعایی - روزنامه کیهان ۱۳۵۹/۱۱/۱۸

در ساعت تفریح درس نخوانید

به یاد دارم امام همیشه می گفتند: در ساعت تفریح درس نخوانید و در ساعت درس خواندن تفریح نکنید. هر کدام در جای خود. همچنین می گفتند که از زمان کودکی به یاد دارند که هیچ گاه ساعت این دو را با هم عوض نکرده اند و این دو لازم و ملزوم یکدیگرند.

به نقل از: عاطفه اشراقی - زن روز - شماره ۱۲۶۷

یک بار هم امام را بیکار ندیدم

پشتکار امام، علی رغم کهولت سنی که داشتند تا بدان حد بود که هیچ کس از نزدیکان ایشان نمی تواند ادعا کند که حتی برای یک بار هم که شده امام را در حال بیکاری و یا گذراندن بیهوده وقت دیده است. ما در این مدت که در محضر امام مشرف بودیم، شاهد بودیم که در زندگی برای امام چیزی به اسم تعطیلی در کار مردم و انقلاب اسلامی وجود ندارد. برای امام هیچ فرقی بین تابستان و زمستان، شنبه و جمعه، عید و غیر عید وجود نداشت و در همه لحظات ایشان یا مطالعه می کردند یا عبادت، و یا گزارشات مختلف را که خدمتشان می رسید می خواندند.

به نقل از: حجة السلام و المسلمین رحیمیان.

اگر همه عالم را بگردید

خدمتگزاران به جمهوری اسلامی در هر پست و مقامی که باشند، خدمت با اخلاصشان و صبر و تحملشان بر مشکلات و دشواریهای انقلاب افضل طاعات است و هر وقت در اثر کوشش و تلاش در خدمت خسته شدند با تذکر و توجه به این جمله امام که فرمود: ((اگر همه عالم را بگردید، خسته تر از من نمی توانید پیدا کنید، لکن خدمت به اسلام و مسلمین از همه چیز مهمتر است)) با این جمله رفع خستگی نمایند، بلکه خستگی را به خود راه ندهند. امام، جمله مزبور را در ضمن فرمایشاتشان خطاب به فرمانده لشکر ۶۴ ارومیه در اوایل انقلاب در حادثه ناگوار نقده (در آذربایجان غربی) که در اثر خیانت بعضی از اعضای دولت موقت اتفاق افتاده بود، ایراد فرمودند.

به نقل از: آیت الله بنی فضل - پاسدار اسلام - شماره ۴۵

چیزی که مهم است دختر است

علاقه امام به دختر خیلی زیاد بود یعنی به کسانی که فرزند دختر داشتند می گفتند آن چیزی که مهم است دختر است. همیشه می گفتند: آن کسی که مورد علاقه می تواند قرار بگیرد دختر است. شاید به همین خاطر بود که عقیده داشتند از دامن زن مرد به معراج می رود.

به نقل از: فرشته اعرابی



جوانها بیشتر خود را بپوشانند

امام بیشتر می‌گفتند: درست است که می‌گویند وجه و کفین زن می‌تواند پیدا باشد اما جوانها بهتر است که کمی بیشتر خود را بپوشانند و خیلی تاکید می‌کردند که در خارج از منزل هیچ گونه عطری مصرف نشود. یادم است در یکی از عیدها امام به نواده دختری دیگرشان عطر هدیه دادند و به من یک چیز دیگر و فرمودند: (چون تو از دواج نکرده ای احتیاجی به عطر نداری.)

به نقل از: عاطفه اشراقی

خانمها از خودشان صحبت کنند

امام همیشه به ما توصیه می کردند مواظب باشیم که مرتکب معصیت نشویم و به خصوص در مورد غیبت کردن معتقد بودند که خانم ها وقتی دور هم جمع می شوند از خودشان صحبت کنند نه از دیگران. همچنین بارها گفته بودند که حتی به شوخی هم دروغ نگوییم.

به نقل از: عاطفه اشراقی



سفارش بچه‌ها را می‌کردند

امام راجع به بچه‌ها بسیار سفارش می‌کردند نسبت به اینکه فرزندانشان نمازهای خود را در اول وقت بجا بیاورند. یکی دیگر از مسائلی که امام برای آن اهمیت قایل بودند درس و تحصیل بچه‌ها بود و به هیچ وجه نمی‌پسندیدند که بچه‌ها در طول سال تحصیلی وقت خود را به بازیگوشی و بطالت بگذرانند و همیشه از وضعیت درسی نوه‌ها و نتیجه‌های خود جو یا می‌شدند.

به نقل از: زهرا اشراقی - سروش - شماره ۴۷۶

شما نشسته اید و خانم کار می کنند؟

اگر روزی خانم غذا را تهیه می کردند هر چقدر هم که بد می شد کسی حق اعتراض نداشت و امام از آن غذا تعریف می کردند. خانم اگر کاری در خانه انجام می دادند، حتی اگر استکانی را جابه جا می کردند و ما نشسته بودیم، امام با ناراحتی به ما می گفتند: ((شما نشسته اید و خانم کار می کنند؟)) اگر یک روز می دیدند که خانم کار می کنند، آن روز، روز و اسلامای امام بود که چرا خانم کار می کنند. می گفتند: ((خانمتان از همه شما بهتر است، هیچ کس مادر شما نمی شود)).

به نقل از: فریده مصطفوی.

به هر صورت که میل داری لباس بخر

اوایل زندگی مان هفته اول یا ماه اول، یادم نیست، به من گفتند من به کار تو کاری ندارم به هر صورت که میل داری لباس بخر و بپوش. اما آنچه از تو می خواهم این است که واجبات را انجام بدهی و محرّمات را ترک بکنی؛ یعنی گناه نکنی. به مستحبات خیلی کاری نداشتند، به کارهای من کاری نداشتند، هر طوری که دوست داشتم زندگی می کردم. به رفت و آمد با دوستانم کاری نداشتند و اینکه چه وقت بروم چه وقت برگردم، ایشان به درس و تحصیل مشغول بودند و من هم سرم به کار خودم بود.

به نقل از: همسر امام - ندا - شماره ۱۲.

سعی کنید با هم رفیق باشید

امام به پسرها و نوه هایشان القا می کردند که انتظار کار کردن از زنشان را نداشته باشند. اگر کردند محبت کرده اند. البته به دخترها هم توصیه می کردند که کار نکنند و در ابتدای عقد نصیحت می کردند که سعی کنید با هم رفیق باشید.

به نقل از: فاطمه طباطبایی - ویژه نامه روزنامه اطلاعات - ۱۳۹۶/۳/۱۴.

اهمیت جوانی

اواخر سال ۶۷، اول ماه شعبان بود که خدمت آقا رسیدم. مفاتیح دستشان بود و می خواستند دعا‌های مخصوص ماه شعبان را بخوانند. تا رفتم دست ایشان را ببوسم که مرخص شوم، فرمودند: ((هرکاری که می خواهی بکنی در جوانی بکن. در پیری باید بخوابی و ناله کنی)).

به نقل از: حجة الاسلام والمسلمین مسیح بروجردی.

خبرهای خوش را با همه مطرح می کردند

از وقتی که جنگ شروع شد مسائل تأثرآور زیادی به گوش امام می رسید که آنها را اصلاً با ما مطرح نمی کردند. گاهی که به اتاقشان می رفتم می دیدم کسی قبل از من خبری داده و ناراحت شده اند، می پرسیدم: ((چه شده؟)) مردد می شدند و می گفتند: ((چه اصراری است که من مطلب را بگویم و تو هم ناراحت شوی؟)) ولی اگر خبر خوشی داشتند به محض اینکه از در وارد می شدم می گفتند: ((بیایید این خبر را دارم.)) امام خوشی را با همه مطرح می کردند، ولی ناراحتی را برای خودشان نگاه می داشتند.

به نقل از: فاطمه طباطبایی - ویژه نامه روزنامه اطلاعات - ۱۳۶۹/۳/۱۴.

توصیه‌هایشان کلی بود

امام بسیاری از مسایل و مشکلات را به خانه نمی آوردند، البته اگر احیاناً فردی از بیرون می آمد، نصیحتش می کردند. مثلاً می گفتند که اگر زنی چنین کاری کرده، بد کرده. یا برعکس اگر مردی چنین کاری کرده، بد بوده است. یا اگر زنی می آمد و می گفت: ((شوهرم گفت از خانه بیرون برو)) امام می گفتند: ((از خانه بیرون برو، چون این وظیفه شرعی است، ولی ببین چرا شوهرت این حرف را زده است. زمینه را برایش جور کن. اگر جاهای خاصی مد نظرش بوده، آنجاها برو)) و توصیه‌هایشان کلی بود.

به نقل از: فاطمه طباطبایی-زن روز-شماره ۱۲۶۷.

در عمل به ما یاد می دادند

امام، کمتر پیش می آید که اهل نصیحت باشند، بیشتر عملشان هست که نشان می دهد چه کاری خوب است و چه کاری بد است و از عکس العمل ایشان ما متوجه می شویم چه کاری خیلی قبیح است یا نه. عکس العملشان در رابطه با مسائل مختلف فرق می کند. در مسئله محرمات و واجبات خیلی شدید برخورد دارند و در مستحبات کمتر.

به نقل از: زهرا مصطفوی.

تربیت فرزند از مرد بر نمی آید

امام نقش مادر را در خانه خیلی تعیین کننده می دانستند و به تربیت بچه ها خیلی اهمیت می دادند. گاهی که ماشوخی می کردیم و می گفتیم: ((پس زن باید همیشه در خانه بماند؟)) می گفتند: ((شما خانه را کم نگیرید، تربیت بچه ها کم نیست. اگر کسی بتواند یک نفر را تربیت کند خدمت بزرگی به جامعه کرده است)). ایشان معتقد بودند که تربیت فرزند از مرد بر نمی آید و این کار دقیقاً به زن بستگی دارد، چون عاطفه زن بیشتر است و قوام خانواده هم باید براساس محبت و عاطفه باشد.

به نقل از: فاطمه طباطبایی - ویژه نامه روزنامه اطلاعات - ۱۳۶۹/۳/۱۴.

با بچه‌ها روراست باشید

امام به دختر من که از شیطننت بچه خود گله می‌کرد، می‌گفتند: من حاضرم ثوابی را که تو از تحمل شیطننت حسین می‌بری با ثواب تمام عبادات خودم عوض کنم. عقیده داشتند که بچه باید آزاد باشد تا وقتی که بزرگ می‌شود آن وقت باید برایش حدی تعیین کنند. در مورد تربیت کودکان می‌فرمودند: با بچه‌ها روراست باشید تا آنها هم روراست باشند. الگوی بچه پدر و مادر هستند. اگر با بچه درست رفتار کنید بچه‌ها درست بار می‌آیند. هر حرفی را که به بچه‌ها زدید به آن عمل کنید.

به نقل از: فریده مصطفوی.

همیشه لبخند می زدند

هر کس از خانواده امام که به دیدار ایشان می رفت احساس می کرد که آقا خیلی دوستش دارد. همه ما این احساس را داشتیم که امام بیشتر از همه به ما علاقه دارد. امام خصوصیاتی داشتند که قابل صحبت نیست. من هنوز یادم نمی آید که به اتاق امام وارد شده باشم و ایشان لبخند زده باشند.

به نقل از: نعیمه اشراقی (نوه امام) - روزنامه کیهان - ۱۳۶۸/۴/۱۲

خودشان از اتاق بیرون می روند

اینکه من می گویم امام نصیحت نمی کنند؛ یعنی مثلاً وقتی ایشان به رادیو گوش می کنند و ما با هم دیگر در حضورشان صحبت می کنیم امام بلند می شوند و توی حیاط می روند و رادیو گوش می کنند، اما به ما نمی گویند از اتاق من بروید، بلکه خودشان رادیو را برمی دارند و از اطاق بیرون می روند و گوش می کنند.

به نقل از: زهرا مصطفوی.

فکر کردیم چیزی می خواهند

امام در بیمارستان دایماً نماز می خواندند و چون ما عادت کرده بودیم که ایشان لبشان را حرکت می دادند می فهمیدیم چیزی می خواهند. چند بار این عمل تکرار شد ولی فهمیدم که خیر چیزی نمی خواهند و دارند نماز می خوانند. امام تا قبل از اینکه حالشان ناهنجار بشود نمازشان را می خواندند و دستشان را به عنوان الله اکبر و رکوع و سجود حرکت می دادند.

به نقل از: دکتر حسن عارفی - روزنامه اطلاعات - ۱۳۶۸/۳/۲۷.

وقت نماز مضطرب بودند

امام در ایام بیماری اهمیت زیادی به نماز اول وقت می دادند وقت نماز که نزدیک می شد، در وجود ایشان اضطرابی به وجود می آمد تا خودشان را آماده نماز کرده و به محض دخول در وقت فریضه، بتوانند نمازشان را انجام بدهند.

به نقل از: دکتر کلاتر معتمدی - گل‌های باغ خاطره - صفحه ۱۳۷.

هر سه روز یک ختم قرآن

امام در ماه رمضان هر روز ده جزء قرآن می خواندند. یعنی هر سه روز یک مرتبه قرآن را ختم می کردند. بعضی برادران خوشحال بودند که دو دوره قرآن را در یک ماه خوانده اند. ولی بعد متوجه می شدند امام ده یا یازده دور قرآن را در طول این ماه شریف خوانده اند.

به نقل از: حجة الاسلام و المسلمین ناصری - سرگذشتهای ویژه از زندگی امام خمینی - جلد ۴

آمدن روی زمین نشستند

یکبار همه دیدند که امام در یک مراسم ملاقات در حسینیه جماران به طور استثنایی به جای آنکه در جایگاه همیشگی شان روی صندلی بنشینند، وقتی وارد شدند روی زمین نشستند. و این در همان روزی بود که برندگان مسابقات قرائت قرآن به حضور امام آمده بودند و قرار بود در آن جلسه چند آیه قرآن تلاوت شود.

به نقل از: حجه الاسلام و المسلمین محمد فاضلی اشتهاردی -
سرگذشتهای ویژه از زندگی امام خمینی؛ جلد ۵

هر چه هست از اهل بیت است

در تمام مدتی که امام در نجف تشریف داشتند من برنامه ای منظم و معین را از ایشان دیدم. مثلاً ساعت خواندن نماز و تشریف به حرم ایشان بسیار دقیق بود و دقیقه ای پس و پیش نمی شد. در حرم یک زیارت امین الله از روبرو می خواندند. سلام بالا سر به حضرت سیدالشهدا^(ع) می دادند و بر می گشتند و می نشستند و زیارت جامعه کبیره و دو رکعت نماز می خواندند. این برنامه تا زمانی که ایشان در نجف تشریف داشتند ادامه داشت. هرگز ندیدم امام بگویند که مثلاً امشب مهمان می آید و من نیستم و یا مثلاً جواب استفتائات مانده است و از این دست. همه کارهای ایشان در ساعت مقرر و مخصوص به خود انجام می شد و من هیچ کس را ندیدم که مانند امام بتواند با این نظم و دقت زندگی کند. خود امام در این باره می فرمودند: هر چه هست از اهل بیت است.

به نقل از: حجه الاسلام و المسلمین نصرالله شاه آبادی - پایه پای آفتاب

- جلد ۳ صفحه ۲۶۲

بیش از همه گریان می شدند

امام سه روز در فاطمیه دوم برای حضرت زهرا(س) مجلس روضه می گرفتند. ایشان به ذکر مصیبت فاطمه زهرا(س) حساسیت خاصی داشتند و هنگامی که از حضرت زهرا(س) و سیدالشهدا(ع) نام برده می شد بیش از همه گریان می شدند.

به نقل از: حجة الاسلام و المسلمین محمد کوثری - پا به پای آفتاب -
جلد ۴ - صفحه ۱۲۳

دعای عهد در سرنوشت دخالت دارد

یکی از مسائلی که حضرت امام روزهای آخر به من توصیه می کردند، خواندن دعای عهد است که در آخر کتاب مفاتیح آمده است. می گفتند: ((صبح ها سعی کن این دعا را بخوانی چون در سرنوشت دخالت دارد)). چیزی که به خانواده می گفتند تا اول از همه به آن عمل کنند انجام واجبات و دوری از محرّمات بود.

به نقل از: فاطمه طباطبایی - شاهد بانوان - شماره ۱۶۸.

انس دایم با مفاتیح الجنان داشتند

شاید کسی باور نکند که امام در جایگاه یک رهبر انقلابی و سیاسی، اکثر دعاهای ((مفاتیح الجنان)) را خوانده باشند! یادم است یک وقت امام از من مفاتیح درشت خط خواستند. برای ایشان تهیه کردم. یک روز مانده به فوت ایشان یکی از خانمها به من گفتند: ((شما بیایید بالای سر امام دعا بخوانید.)) من هم دعای عدلیه را خواندم. یک وقت متوجه شدم امام در یک جای مفاتیح نشانه ای گذاشته اند. نگاه کردم دیدم دعای عهد حضرت مهدی (عج) است که چون مستحب است چهل روز خوانده شود، ایشان روی کاغذ تاریخ شروع را از هشتم شوال مرقوم فرموده بودند و تا آن روز خوانده بودند! تا این اندازه امام به دعاها آن هم با انجام خصوصیات و شرایط مقید بودند.

به نقل از: حجة الاسلام والمسلمین محمد رضا توسلی

زیارت جامعه را بیشتر می خواندند

امام از میان متون زیارت نامه ها، زیارت جامعه را بیشتر از دیگر زیارات می خواندند و در تمام آستانه های مقدس مقید به خواندن زیارت جامعه بودند.

به نقل از: حجة الاسلام و المسلمین سید احمد مهری - شاهد بانوان -
شماره ۱۶۷

هفت دقیقه و چهل ثانیه مدت نهار

ناهار امام یک غذای ایرانی به اسم آبگوشت بود و این همان غذایی بود که در آن روز ظهر دیگران هم از آن استفاده می کردند، آیت الله خمینی بر سر سفره ای که به غیر از ایشان همسر، پسر، عروس و نوه هایشان بودند، نشسته و بعد از بر زبان آوردن نام خدا مقدار کمی غذا خوردند. مدت نهار خوردن ایشان دقیقاً هفت دقیقه و چهل ثانیه بود و بعد بلافاصله به اتاق کارشان رفتند. من دو سال پیش یک بار موفق شدم ناهار خوردن ((پاپ)) را هم به چشم ببینم، مجموعه غذاهایی که برای ایشان تدارک دیده بودند بر روی میزی به طول دوازده متر و به عرض دو و نیم متر چیده شده بود. هیچ نوع غذای ایتالیایی نبود که بر روی این میز نباشد و آن وقت حضرت پاپ بر سر این میز به تنهایی ناهار خود را میل کردند، مدت نهار خوردن ایشان یک ساعت و پنجاه دقیقه بود و بعد باقی غذای ایشان، آن طور که من فهمیدم، به کلی معدوم شد.

به نقل از: خبرنگار یک روزنامه فرانسوی - اطلاعات هفتگی - شماره

۱۹۲۴

با خوشرویی ما را می پذیرفتند

امام به ما اجازه داده بودند در هر وقت از شب با یک ((یا الله)) گفتن خدمتشان برسیم. گفه بودند: ((وقتی شما با من کار دارید فقط ((یاالله)) بگویید و بیایید)). وقتی ما ((یاالله)) می گفتیم، منتظر می شدیم که ایشان بگویند: ((بسم الله)), آن وقت وارد می شدیم و آن مراقبتی که باید می کردیم، انجام می دادیم و بر می گشتیم. من در تمام این اوقات استثنایی، ندیدم که ایشان اخم بکنند یا روی ترش به ما نشان دهند، بلکه با کمال خوشرویی ما را می پذیرفتند و این حاکی از نهایت صبر و شکیبایی ایشان بود.

به نقل از: دکتر پورمقدس - پاسدار اسلام - شماره ۹۶.

هرگز اعتراض نمی‌کردند

امام واقعاً خلق و خوی محمدی داشتند. در تمام این مدتی که ما در خانه ایشان بودیم و اغلب کارهایی را که برای ایشان می‌کردیم و با آن عمل جراحی مشکلی که داشتند هرگز نشد که خم به ابرو بیاورند. ما به خاطر احترام خاصی که برای امام قایل بودیم قبلاً به ایشان می‌گفتیم که مثلاً بنشینید و یا اگر می‌توانید راه بروید و ... هرگز نشد که اعتراضی بکنند. همیشه در کمال احترام با ما برخورد می‌کردند. و واقعاً می‌توانم بگویم که از نظر من بیماری نمونه بودند. و من تصور نمی‌کنم که کسی بتواند تا این حد در مقام رضای الهی باشد و تحمل درد داشته و چنین خلق و خویی را دارا باشد و کاری نکند که ما از او دل چرکین بشویم.

به نقل از: دکتر کلاتر معتمدی - اطلاعات هفتگی - شماره ۲۴۴۲.

لباس ملاقاتشان جدا بود

امام وقتی که از حسینیه به اتاقشان می آیند قبایشان جدا است، عمامه شان جدا است. اگر سه چهار بار حسینیه بیایند با آن لباس در اتاق نمی نشینند، بلکه لباسهایشان را در می آورند و تا می کنند، عمامه را رویش می گذارند، یک پارچه سفیدی رویش می کشند و می نشینند. دو مرتبه وقتی به ایشان می گویند آقا جمعیت هست بفرمایید، باز بلند می شوند، لباسها را در می آورند، آنها را می پوشند و می روند؛ یعنی خیلی دقت دارند در اینکه هر چیزی جای خودش باشد.

به نقل از: زهرا مصطفوی - شاهد بانوان - شماره ۱۴۹

حجاب شما اسلامی است

تعدادی از خواهران ما در پاریس به حضور امام آمدند و درباره تحصیل خانمها در دانشگاه از ایشان پرسیدند. امام فرمودند: لازم نیست کسی در این باره صحبت کند. سوال شد: شرکت در کلاسهایی که مختلط است آیا اشکال ندارد؟ امام فرمودند: اگر با حفظ مسائل اسلامی باشد و شهوی نباشد اشکالی ندارد. در مورد رعایت حجاب سوال کردند: باید چادر سر کنیم؟ امام نگاهی به خواهر سوال کننده کردند او روسری به سر و مانتویی آستین دار به تن داشت. فرمودند: حجاب شما اسلامی است و خیلی خوب است.

به نقل از: حجت الاسلام والمسلمین سید علی اکبر محتشمی

امام خمینی^(ره) و پرده در کلاس درس

در همان اوایل دهه ۶۰، تلاش‌ها و زمزمه‌هایی برای جداسازی فضاهای آموزشی دانشجویان دختر و پسر در دانشگاه‌ها شروع شده بود. امام^(ره) می‌گفتند مگر دختر و پسر در سر کلاس درس استاد چه می‌خواهند بکنند که باید میانشان پرده باشد و سپس افزودند نباید به جوانان و دختران و پسرانی که دو سه سال دیگر وارد فضای اجتماعی و مدیریت جامعه می‌شوند، این‌گونه توهین روا داشت و تخم بدبینی را نسبت به آنان در دل پاشید.

مقام معظم رهبری که در آن زمان علاوه بر ریاست جمهوری، امام جمعه تهران نیز بودند در خطبه نماز جمعه به این موضوع و بیان نظر امام پرداختند. با وجود این یک روز آقای دکتر شیخ الاسلامی که استاد راهنمای خواهرم بودند، هنگامی که وارد کلاس می‌شوند مشاهده می‌کنند که وسط کلاس پرده کشیده‌اند. در جواب اعتراض ایشان، گفته می‌شود که به دستور انجمن اسلامی این کار صورت گرفته است.

آقای دکتر شیخ الاسلامی می‌گویند اگر این پرده را جمع نکنید، درس نخواهم داد. فایده‌ای نداشت. از این رو ایشان به اتاق رئیس دانشکده برمی‌گردند و از طریق تماس با دفتر امام به خواهرم زنگ می‌زنند که ماجرا را به امام

بگوید و از ایشان کسب تکلیف کند. امام با تندی زایدالوصفی می گویند به این کار ها خاتمه دهید و ببینید این افراد به کجا وصل هستند و توسط چه جریان منحرفی تحریک شده اند. در مورد دیگری فکر می کنم سال ۶۲ یا سال ۶۳ بود.

چند روزی به ماه رمضان مانده بود. امام آقای محمد هاشمی رئیس وقت صدا و سیما را احضار کردند. وقتی ایشان آمد، من هم در دفتر امام حضور داشتم و آقای هاشمی که قدری نگران بود از من علت احضار خود را جویا شد. من هم خبر نداشتم و با هم نزد امام رفتیم. امام به آقای هاشمی گفتند: شنیده ام به مناسبت ماه رمضان دستورالعمل داخلی صادر کرده اید و گفته اید در ایام ماه رمضان در طول روز، موسیقی از رادیو و تلویزیون پخش نشود و دیگر اینکه مجریان مرد در تلویزیون در این ماه ریش خود را نتراشند. آقای هاشمی تلویحا تأیید کرد و گفت بله مسئولان شبکه ها ظاهراً این کار را کرده اند.

امام با حالتی تند ولی آمیخته با محبت گفتند چرا اصرار دارید ریاکاری و دورویی را رواج دهید؟ کسی که به فتوای مجتهدی تراشیدن ریش را بدون اشکال می بیند، چرا مجبورش می کنید در ماه رمضان ریاکاری کند؟ در مورد پخش موسیقی هم گفتند موسیقی یا حرام است یا حرام نیست. اگر حرام است، روز و شب ندارد و اگر حرام نیست، چرا به گونه ای عمل می کنید که شائبه حرمت دینی بوجود

آید؟ اگر امروز این کارها را وارد دین کردید و لعاب دینی به آن دادید، چه کسی باید فردا اینها را از دستورات واقعی دینی جدا کند؟ مواردی از این دست زیاد است که در این مجال اندک جای بازگویی آنها نیست.

خاطرات خواندنی از امام خمینی^(ره) به نقل از دکتر صادق طباطبایی

احترام برادر بزرگتر در حد یک استاد

بارها و بارها شاهد احترام بیش از حد امام نسبت به آیت الله پسندیده بودیم. ایشان به عنوان برادر بزرگتر و استاد امام در دوران کودکی و نوجوانی در حد یک استاد و شبیه یک پدر مورد احترام امام قرار می گرفت. مجلس انس امام با برادر بزرگترشان به دور از مسائل سیاسی و رهبری جهان اسلام، احوالپرسی و تفحص از مشکلات احتمالی برادر بود. در این حال شنیدن مسائل عادی زندگی و چکه کردن شیر آب و خرابی دستشویی منزل امام برای ایشان قابل تحمل بود.

به نقل از: حجة الاسلام والمسلمین رحیمیان - پاسدار اسلام - شماره

بالبخند، سؤال کننده را تشویق می کردند

هیبت و عظمت امام به حدی بود که اشخاص عادی کمتر جرأت می کردند با ایشان زیاد صحبت کنند یا بر خلاف تأدیب چیزی بگویند، ولی در جلسه درس، وقتی یکی از طلاب اشکالی داشت و می خواست از ایشان بپرسد، چنان با آغوش باز و قیافه بشاش و بالبخندی، سؤال کننده را تشویق می کردند و او را می پذیرفتند و سؤال او را گوش داده و به او جواب می دادند که شاگرد نه تنها به جواب سؤال خود می رسید، بلکه با کمال خوشحالی از خدمت امام مرخص می شد.

به نقل از: آیت الله حسن قدیری - روزنامه جمهوری اسلامی؛ خرداد ۷۰

طلبه‌ها فکر کنند

از تأثیراتی که امام روی وضع تحصیل شاگردانشان گذاشتند این بود که معمولاً توصیه می‌کردند طلبه‌ها فکر کنند و قناعت نکنند به این که کتاب را بخوانند یا مطالبی را که در درس یادداشت کرده‌اند به طور سطحی مرور کنند. امام همیشه می‌گفتند: «وقتی چیزی را از استاد گرفتید، بعد از مدتی بروید رویش فکر کنید مثلاً هر شب چراغ را خاموش کنید و به جای اینکه کتاب بخوانید، بنشینید و فکر کنید تا اینکه مطلب را توی ذهن خودتان کاملاً پخته کنید و همه جوانب موضوع را با فکر و تعمق جذب کنید».

به نقل از: حجة الاسلام و المسلمین علی اکبر هاشمی رفسنجانی-

خداوند با ماست

امام در پاریس و پس از اینکه اعلام کرده بودند ((می خواهم پیش ملت‌م بازگردم و با آنان باشم)) در پاسخ به ممانعت اطرافیان که به صلاح نیست و ممکن است جان شما در خطر قرار گیرد فرمودند: ((خدا با ماست))

به نقل از: آیت الله شهید محلاتی - روزنامه اطلاعات - ۱۳۶۰/۱۱/۱۲

دست خدا حافظ انقلاب است

امام در جلسه ای خصوصی به این جانب فرمودند: ((من معتقدم که این انقلاب را از ابتدا تاکنون دست قدرت الهی که فوق تمام دستهاست به اینجا آورده است و همان یدالله این انقلاب عظیم را حفظ می فرماید.))

به نقل از: آیت الله العظمی حسین مظاهری - حوزه - شماره ۴۹.

ثواب پذیرایی از زائر

یکی از علما برای من نقل می کرد که یک سال تابستان به اتفاق امام و چندتن دیگر از روحانیون به مشهد مشرف شدیم و خانه دربستی گرفتیم. برنامه ما چنین بود که بعد از ظهرها، پس از یکی دو ساعت استراحت، از خواب بلند می شدیم و به طور دسته جمعی روانه حرم مطهر می شدیم و پس از زیارت و نماز و دعا به خانه مراجعت و در ایوان باصفایی که در آن خانه بود، می نشستیم و چای می خوردیم. برنامه امام این بود که با جمع به حرم می آمدند، ولی دعا و زیارتشان را خیلی مختصر می کردند و تنها به منزل برمی گشتند- و آن ایوان را آب و جارو می کردند، فرش پهن می کردند، سماور را روشن می کردند و چای را آماده می ساختند- و وقتی که ما از حرم باز می گشتیم، برای ما چای می ریختند.

یک روز من از ایشان سوال کردم که این چه کاریه، زیارت و دعا را به خاطر آنکه برای رفقا چای درست کنید مختصر می کنید و باعجله به منزل باز می گردید؟ امام در جواب فرمودند: من ثواب این کار را کمتر از آن زیارت و دعا نمی دانم.

به نقل از: سید حمید روحانی

احترام به قانون

زمانی که امام در پاریس و در محله نوفل لوشاتو بودند، برخی از همراهان امام گوسفندی ذبح کردند، طبق قانون کشور فرانسه ذبح حیوانات در خارج از کشتارگاه ممنوع است، امام وقتی که با خبر شدند این کار خلاف قانون کشور فرانسه است فرمودند: من از گوشت این گوسفند نمی خورم...

احترام همسر

برنامه نظم و ساعات آقا واقعا عجیب بود. حتی برنامه غذا خوردنشان. یک دفعه حاج احمد آقا می گفتند: من گفتم آقا وقت ناهار شده. بگویم ناهار بیاورند؟ آقا نگاهی به ساعتشان کردند و گفتند: نه هنوز وقتش نشده است. مدت کمی گذشت و چند کلمه‌ای با آقا صحبت کردم، آمدم تا دم در، امام صدا زدند. برگشتم، گفتند می خواهید بگویند ناهار بیاورند، بیاورند. حالا وقتش است، ببینید، شاید یک دقیقه نشده بود، اما آقا این قدر منظم بودند که برای خود خانواده هم جای تعجب داشت، و می شود نتیجه گرفت که آقا واقعا چقدر در کارشان منظم است اما یادم می آید روزی که حاج خانم (همسر حضرت امام) برای زیارت حضرت عبدالعظیم رفته بودند و بنده هم به عنوان راننده حضور داشتم، در موقع برگشت که نزدیکهای ظهر بود، خانم گفت زود برویم، من به آقا نگفتم که ناهار بخورند، آقا صبر می کنند تا من بروم. زودتر برویم که آقا برای خوردن ناهار معطل نشوند. خلاصه راه بندان بود و ترافیک. تا ما رسیدیم ۲۵ دقیقه‌ای - نیم ساعتی از وقت ناهار گذشته بود. خانم گفتند: مثل اینکه آقا ناهار خورده باشند. ولی امام ناهار نخورده بودند و من پرسیدم، دیدم تازه سفره را انداخته‌اند و آن زمانی بود که یکی از اعضای بیت دیده بود که خانم می آیند. خانم به آقا گفته بودند «شما ناهار می خوردید، ما می آمدیم». آقا در جواب با ملاطفت و احترام گفته بودند «شما نفرمودید

که من نمی‌آیم. «درست با همین لفظ که «شما نفرمودید
که من نمی‌آیم و گرنه ما ناهار می‌خوردیم. ما منتظر شما
بودیم. «خلاصه آن آقایی که برای یک یا دو دقیقه به حاج
سیداحمد آقا می‌گوید هنوز وقت ناهار نشده. تا نیم ساعت
صبر می‌کنند تا حاج خانم بیاید.

محمد هاشمی (محافظ بیت)



بخش دوم: خون دل معماران انقلاب اسلامی از متحجرین

خون دل معمار انقلاب اسلامی

تحجر و جمود فکری همزاد با ادیان و عقاید بشری است. تاریخ اسلام و جامعه اسلامی نیز از بدو تشکیل حکومت اسلامی در مدینه از این جریان انحرافی به دور نبوده و در دوره های مختلف تاریخ اسلام شاهد فراز و فرود این جریان هستیم، به ویژه در دوره معاصر ایران جریان تحجر به سوی ریشه دارتر و تنومندتر شدن حرکت کرده است.

تحجر و تحجرگرایی در منظومه فکری امام خمینی^(ره) تأکید بر نوعی از تحجر است که نگاه فلسفی به دین و مذهب دارد و هیچ تحول و نوآوری و حتی تحول مبتنی بر اصول را بر نمی تابد. تحجر از جمله جریانهای مخالف با تفکر و نهضت امام خمینی^(ره) به شمار می رود؛ از این رو امام به موازات حرکت سیاسی اش، با صراحت و جدیت بیشتر به مبارزه و مقابله با جریان تحجرگرایی برخاست. این رویکرد امام با تحجر پس از پیروزی انقلاب افزایش یافت و به ویژه در اواخر عمرش در پیام تاریخی منشور روحانیت درباره این جریان فرمودند: خون دلی که پدر پیرتان از این دسته متحجر خورده است، هرگز از فشارها و سختی های دیگران، نخورده است.

در هر برهه از زمان امام راحل در ارتباط با تحجر و تحجر گرایی از تعابیر ویژه ای استفاده کرده اند که بیانگر و افشاگر ماهیت این جریان خطرناک بوده و گویای خاستگاه انحرافی و به کج راهه رفتن آنان است.

حضرت امام روزی از آن به اسلام شاهنشاهی و روز دیگر به اسلام ملوکی و یک بار به اسلام محمدرضا خانی و بار دیگر اسلام منافقین و گاهی به اسلام التقاط، اسلام سازش و فرومایگی، اسلام حاکمیت سرمایه داران بر پابرهنگان زمین، اسلام ابوسفیان، اسلام مقدس نماهای احمق حوزه های علمیه و در یک کلام اسلام آمریکایی نام برده اند.

ایشان در سال های آخر عمر پربرکت خویش بارها و بارها و به بهانه های مختلف فرزندان واقعی انقلاب را هشدار داده که آن را خوب بشناسند و طرفداران آنان را طرد و به مردم معرفی نمایند. هشدارهای مداوم و صریح و دردآلود امام در سالهای پایانی حیاتشان نشان از حساسیت فوق العاده ایشان نسبت به این موضوع دارد. در مقطعی از تاریخ انقلاب حضرت امام تندترین حملات و روشن ترین افشاگری ها را نسبت به جریان تحجر و مقدس مآبی داشتند که ذیلا به مواردی از آنها اشاره می شود:

راه مبارزه با اسلام آمریکایی از پیچیدگی خاصی برخوردار است که تمامی زوایای آن باید برای مسلمانان پابرهنگه روشن گردد؛ که متأسفانه هنوز برای بسیاری از ملت‌های اسلامی مرز بین «اسلام آمریکایی» و «اسلام ناب محمدی» و اسلام پابرهنگان و محرومان، و اسلام مقدس نماهای متحجر و سرمایه داران خدانشناس و مرفهین بی درد، کاملاً مشخص نشده است. و روشن ساختن این حقیقت که ممکن نیست در یک مکتب و در یک آیین دو فکر متضاد و رودررو وجود

داشته باشد از واجبات سیاسی بسیار مهمی است.

عنوان: عرصه تقابل اسلام ناب محمدی (ص) با اسلام امریکایی
تاریخ: ۱۳۶۷/۰۶/۱۴
محل: تهران، جماران
مناسبت: ملت مسلمان پاکستان - علمای اسلام

هنری زیبا و پاک است که کوبنده سرمایه‌داری مدرن و کمونیسم خون‌آشام و نابود کننده اسلام رفاه و تجمل، اسلام التقاط، اسلام سازش و فرومایگی، اسلام مرفهین بی درد، و در یک کلمه «اسلام امریکایی» باشد.

عنوان: تجلیل از هنر و هنرمندان متعهد
تاریخ: ۱۳۶۷/۰۶/۳۰

همه باید سعی کنیم تا روح وحدت و پاکی را بر محیط کارمان حاکم گردانیم، تا بتوانیم تمامی قدرتها و ابرقدرتها را به زانو درآوریم. باید تلاش کنیم زهد و قدس اسلام ناب محمدی را از زنگارهای تقدس مآبی و تحجرگرایی اسلام امریکایی جدا کرده و به مردم مستضعفان نشان دهیم. ما اگر توانستیم نظامی بر پایه‌های نه شرقی نه غربی واقعی و اسلام پاک منزّه از ریا و خدعه و فریب را معرفی نماییم، انقلاب پیروز شده است

عنوان: ابراز علاقه و تأکید بر وحدت و برادری
تاریخ: ۱۳۶۷/۰۶/۲۸

من با تمام وجود به شما عشق می‌ورزم و شما را از دل و جان دوست دارم؛ و علاقه‌مندم که فرد فرد شما عالم و متخصصی متعهد برای اسلام ناب محمدی - صلی الله علیه و آله وسلم - و مبارزی سرسخت علیه اسلام امریکایی و مرفهین و پرچمدار

وفاداری برای ایثارگران و شهیدان خود باشید، و بتوانید با چراغ علم و عمل و تقوا ظلمت نفاق و کج فکریها و تحجرها و مقدس‌مآبیها را از دامن اسلام بزدايید

عنوان: تشکر از رسیدگی به مسائل فرهنگی فرزندان شاهد و تقدیر از

دانش‌آموزان ممتاز شاهد

تاریخ: ۱۳۶۷/۰۶/۲۸

من به طلاب عزیز هشدار می‌دهم که علاوه بر اینکه باید مواظب القائنات روحانی نماها و مقدس‌مآبیها باشند از تجربه تلخ روی کار آمدن انقلابی نماها و به ظاهر عقلای قوم که هرگز با اصول و اهداف روحانیت آشتی نکرده اند عبرت بگیرند که مبادا گذشته تفکر و خیانت آنان فراموش و دلسوزیهای بیمورد و ساده اندیشیها سبب مراجعت آنان به پستیهای کلیدی و سرنوشت ساز نظام شود

صحیفه امام خمینی (ره) تعیین استراتژی نظام جمهوری اسلامی ایران

- رسالت حوزه‌های علمیه - منشور روحانیت - ۱۳۶۷/۱۲/۰۳

«یک نگرانی دیگر که ما داریم این است که دوستیهایی که نادان هستند توجه به مسائل ندارند موجب این بشوند که اسلام را طور دیگری نشان بدهند. ما امروز رژیم جمهوری اسلامی داریم - ما امروز تمام قشرهایمان مدعی هستند که جمهوری اسلامی هستیم. که رژیم ما جمهوری اسلامی است دادگاههای ما دادگاههای اسلامی است کمیته‌های ما کمیته‌های اسلامی است پاسدارهای ما پاسدار اسلامی ارتش ما ژاندارمری ما شهربانی ما قوای انتظامی ما اسلامی دولت ما اسلامی ادارات ما اسلامی ما همچو ادعا داریم، من خوف آن دارم که به واسطه

قشرهایی که غرض ندارند لکن نادان هستند کارهایی صورت بگیرد که مکتب ما را آلوده کند و بد معرفی کند ما شکست بخوریم و مکتب اسلام دفن بشود اگر کمیته‌ها چه آنهایی که در آنها بعضی معممین هست و چه آنهایی که نیست. اگر خدای نخواستہ بر خلاف موازین اسلامی عمل کنند. مکتب ما را شکست می‌دهند و این مسئولیت بزرگی است برای معممین»

صحیفه امام خمینی^(۶) ایمان و اتحاد بین اقشار جامعه، رمز پیروزی -

۱۳۵۸/۰۴/۱۵

«ما امروز از دوستان می‌ترسیم دیروز از دشمنها می‌ترسیدیم آن ترس خیلی زیاد نبود اشکالی نبود امروز از دوستها می‌ترسیم که این دوستهای بی‌توجه به عمق مسائل بی‌توجه به موقعیتی که الان ما در آن واقع هستیم کاری نکنند که مکتب ما در دنیا مکتب فاسد قلمداد شود مکتب عقب افتاده قلمداد شود. این است که ما را رنج می‌دهد این است که ما را نگران کرده امروز بر همه ما بر همه ملت بر بانوان بر برادران بر علما بر دانشگاہیهای بروکلا بر وزرا بر همه قشرهای ملت است که احتراز کنند از اختلاف و احتراز کنند از کارهایی که مخالف با نهضت اسلامی است مخالف با جمهوری اسلامی است»

صحیفه امام خمینی^(۶) ایمان و اتحاد بین اقشار جامعه، رمز پیروزی -

۱۳۵۸/۰۴/۱۵

«اختلاف و تفرقه از جمله پیامدهای تحجر و تعصب است البته نه آن اختلافی که رحمت است و شکوفایی و پیشرفت را در پی می‌آورد بلکه آن اختلاف که دشمنی و بی‌اعتمادی و سو ظن و انحصارگرایی را به دنبال می‌آورد. تحجر باعث می‌شود که عده‌ای با ظاهر فریبی و مقدس

مآبی مردم را فریب داده و از این طریق عده ای را تکفیر و تفسیق نمایند و کم کم وحدت و یکپارچگی را در جامعه از بین ببرند.

متحجرین و صاحبان فکر بسته و جزم گرا هیچ وقت با تساهل و توافق و مشاوره میانه ای ندارند اقتناع و گذشت و چشم پوشی را در کوچک ترین مسائل بر نمی تابند بلکه همیشه به صورت تحمیلی و اجبار وبا تنگ نظری و سخت گیری نظر و سلیقه خود را اعمال می کنند. در نتیجه بستر یک دلی و وحدت را از بین برده و جامعه و اجتماع را به اختلاف و تفرقه سوق می دهند.

برداشت و فهمی که این گرایش از دین ارائه می کند و نسل متفکر و صاحب اندیشه را به سوی آن سوق می دهد و بر آن اصرار می ورزد چهره ای از دین و حکومت اسلامی ترسیم می کند که با تمدن جدید و پیشرفت و سازندگی ناسازگار است و جز با جامعه و مدنیت هزار سال پیش سازگار نیست. روشن است که ارائه چنین چهره ای از دین اولاً ظلم و ضربه به دین است و ثانیاً باعث خمود و افول اندیشه ها و رکود نوگرایی و رونق واپسگرایی شده و موجب عدم شکوفایی و مانع ظهور استعدادهای درخشان خواهد شد.

توجه به سنت ها و آداب و رسوم گذشته و پاسداشت آنها امری معقول و با ارزش است و در جوامع امروز خود عامل هویت سازی و ملت سازی است. اما اگر این نگاه به گذشته معطوف به نگرش مثبت به آینده نباشد و صرفاً به صورت توهم و آرزوی برگشت به گذشته باشد نه فقط

موجب سازندگی و ملت سازی نخواهد شد بلکه عامل اصلی عقب ماندگی و بدبختی جوامع خواهد شد.

واپسگرایی و تعصب به گذشته به اسم سنت و ارزش های صدر اسلام قطعاً جامعه دینی را به چالش خواهد کشید و حاکمیت دین و توان پاسخگویی دین را در جامعه امروزی زیرسوال خواهد برد. از نمادهای گذشته گرایی و سنت گرایی افراطی قانون گریزی و تعارض حاکمیت قانون در اجتماع است چرا که سنت گرایان افراطی پذیرش خیلی از قوانین داخلی و بین المللی را بر نمی تابند نظر حضرت امام در این باره روشن و شفاف است. ایشان می فرماید:

«همه باید مقید به این باشید که قانون را بپذیرید ولو برخلاف رای شما باشد. باید بپذیرید برای اینکه میزان اکثریت است و تشخیص شورای نگهبان که این مخالف قانون نیست و مخالف اسلام هم نیست میزان است که همه ما باید بپذیریم من هم ممکن است با بسیاری از چیزها من که یک طلبه هستم مخالف باشم. لکن وقتی قانون شد (تصویب) خوب ما هم می پذیریم بعد از اینکه یک چیزی قانونی شد دیگر نق زدن در آن اگر بخواهد مردم را تحریک بکند مفسد فی الارض است و باید با او دادگاهها عمل مفسد فی الارض بکنند و اگر نه رای می دهد آرام با رای آرام هیچ کس مخالف نیست. شما می گوید که نخیر اینکه گفتند اینها اشتباه کردند ولی ما در مقام عمل قبول داریم رایمان این است که این جوری نیست اما در عمل ملتزم هستیم.

باید بپذیرند اینها را اگر می خواهید که از صحنه بیرونتان نکنند بپذیرید قانون را نگوئید هی قانون و خودتان خلاف قانون بکنید! بپذیرید قانون را همه تان روی مرز قانون عمل بکنید. اگر همه روی مرز قانون عمل بکنند اختلاف دیگر پیش نمی آید.

« همه اختلافات این است . »

صحیفه امام خمینی^(ع) اهمیت مجلس شورای اسلامی و بیان وظایف نمایندگان مجلس - ۱۳۶۰/۰۳/۰۶

« در کشوری که قانون حکومت نکند خصوصا قانونی که قانون اسلام است این کشور را نمی توانیم حساب کنیم کسانی که با قانون مخالفت می کنند اینها با اسلام مخالفت می کنند. کسانی که با مصوبات مجلس بعد از اینکه شورای نگهبان نظر خودش را داد باز مخالفت می کنند. اینها دانسته یا ندانسته با اسلام مخالفت می کنند. اگر همه اشخاصی که در کشورمان هستند و همه گروههایی که در کشور هستند و همه نهادهایی که در سر تا سر کشور هستند به قانون خاضع بشویم و قانون را محترم بشماریم هیچ اختلافی پیش نخواهد آمد اختلافات از راه قانون شکنیها پیش می آید. »

صحیفه امام خمینی^(ع) ارزش کار اطبا و پرستاران - قانون و قانون گذاری - اخطار به توطئه گران - ۱۳۶۰/۰۳/۱۸

از دیدگاه امام خمینی ویژگی های تاجر و تاجرگرایی عبارتند از: مقدس نمایی و تقدس مآبی، قشری گری و سطحی نگری، نگاهی ابزاری به دین عوام زندگی و عوام گراییی داشتن روحیه تک بعدی و تک محوری، راحت طلبی و رفاه گرایی، تنگ نظری، کج اندیشی و کج فهمی، تقلید کورکورانه، شخصیت زدگی و شخصیت پرستی، دورویی و ریا گرایی شدید به دروغ مصلحتی، انتقاد ناپذیری، عدم توجه به مشارکت عمومی، تجمل گرایی، برداشت های غلط و افراطی و...

متأسفانه هنوز برای بسیاری از ملت‌های اسلامی مرز بین

اسلام امریکایی و اسلام ناب محمدی و اسلام پابرهنگان و محرومان و اسلام مقدس نماهای متحجر و سرمایه داران خدانشناس و مرفهین بی درد کاملاً مشخص نشده است.

صحیفه امام خمینی^(ع) عرصهٔ تقابل اسلام ناب محمدی (ص)

با اسلام امریکایی - ۱۳۶۷/۰۶/۱۴

آمریکا و استکبار در تمامی زمینه ها افرادی را برای شکست انقلاب اسلامی در آستین دارند در حوزه ها و دانشگاهها مقدس نماها را که خطر آنان را بارها و بارها گوشزد کرده ام . اینان با تزویرشان از درون محتوای انقلاب و اسلام را نابود می کنند. اینها با قیافه ای حق به جانب و طرفدار دین و ولایت همه را بی دین معرفی می کنند.

صحیفه امام خمینی^(ع) سالگرد کشتار خونین مکه و قبول

قطعه نامهٔ ۵۹۸ - ۱۳۶۷/۰۴/۲۹



بخش سوم:
تجراز منظر مقام معظم رهبری

معنای تحجر این است که...

معنای تحجر این است که از هر آنچه که به صورت یک باور در ذهن انسان وارد شده، بدون این که پایه‌های استدلالی و استناد مستحکمی داشته باشد، بی دلیل و متعصبانه دفاع کردن.

دیدار جمعی از اعضای انجمن قلم ایران ۱۳۸۱/۱۱/۰۸

نشاختن نیازهای زمان، تحجر است

تحجر این است که، کسی که می‌خواهد کار بزرگی را با این عظمت انجام دهد، نتواند نیازهای زمان و لوازم هر لحظه لحظه زندگی یک ملت را از قرآن بشناسد و بخواهد در یک وضعیت ایستا و بدون انعطاف، حکم نماید و کار کند و پیش برود. این، امکان‌پذیر نیست. معنای تحجر آن است که، کسی که می‌خواهد از مبانی اسلام و فقه اسلام، برای بنای جامعه استفاده کند، به ظواهر احکام اکتفا نماید و نتواند کشش طبیعی احکام و معارف اسلامی را، در آن جایی که قابل کشش است، درک کند و برای نیاز یک ملت و یک نظام و یک کشور - که نیاز لحظه به لحظه است - نتواند علاج و دستور روز را نسخه کند و ارائه دهد. این، بلای بزرگی است. اگر در رأس نظام‌های سیاسی‌ای که براساس اسلام، یا تشکیل شده است، یا در آینده تشکیل خواهد شد، چنین روحیه‌ای وجود داشته باشد، یقیناً اسلام بدنام خواهد شد و منبع لایزال معارف و احکام اسلامی نخواهند توانست جامعه را پیش ببرند.

بیانات در سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (۵) ۱۳۷۶/۰۳/۱۴

اصولگرایی یک حرف است و تحجّر یک حرف دیگر...

متأسفانه یک عده اصولگرایی را با تحجّر اشتباه گرفته و خیال کرده‌اند که اصولگرایی یعنی تحجّر! در حالی که اصولگرایی به معنای تحجّر نیست. اصولگرایی یعنی اصول مستدلّ منطقی را قبول داشتن و به آنها پایبند ماندن و رفتارهای خود را با آن اصول تطبیق کردن؛ مثل شاخصهایی که انسان را در یک جاده هدایت می‌کند. «انّ الذین قالوا ربّنا الله ثمّ استقاموا، این استقامت کردن، اصولگرایی است. معنای تحجّر این است که از هر آنچه که به‌صورت یک باور در ذهن انسان وارد شده، بدون این که پایه‌های استدلالی و استناد مستحکمی داشته باشد، بی دلیل و متعصّبانه دفاع کردن. «اذ جعل الذین کفروا فی قلوبهم الحمیة حمیة الجاهلیة». «حمیت جاهلیّه» گریبان کسانی را می‌گیرد و آنها جاهلانه از یک چیز دفاع می‌کنند. اصولگرایی با این دفاع جاهلانه و حمیت متعصّبانه و متحجّرانه اشتباه نشود. تا گفته می‌شود تحجّر، ذهن بعضی به تحجّر جناحهای دینی می‌رود. در حالی که جناحهای به اصطلاح روشنفکر و متجدّد ما در تحجّر دست کمی از متحجّرین دینی ندارند، بلکه در مواردی به مراتب از آنها بدترند. من یادم نمی‌رود، دوران قبل از انقلاب در این مجالسی که با دانشجویان و بعضی از فعالان سیاسی چپ تشکیل می‌شد، اگر کسی حرفی می‌زد که با مبانی مارکسیسم اندک مخالفت و مساسی داشت، استدلال لازم نبود، می‌گفتند این حرف باطل و غلط است! همان که

در قرآن می‌گوید: « انا وجدنا ابائنا علی امة ». چون این را شنیده‌اند، بر آن پای می‌فشرده‌اند و براساس آن هر حرف منطقی را باطل می‌کردند. تحجّر در آن جا بیشتر است. بنابراین اصولگرایی یک حرف است و تحجّر یک حرف دیگر.

بیانات در دیدار جمعی از اعضای انجمن قلم ۸/۱۱/۱۳۸۱

یکی از آفتهای دینداری این است که...

دو آفت، هم دینداری را تهدید میکند و هم سیاست را. یکی از آفتهای دینداری این است که دینداری یک جامعه یا یک شخص، با انحراف یا بی مبالاتی یا تحجر و جمود یا فراموش کردن نقش عقل یا التقاط و از این چیزها همراه شود. آفت دیگر دینداری این است که دین به زندگی شخصی محدود شود؛ عرصه وسیع زندگی جمعی انسانها و جامعه را فراموش یا درباره آن سکوت کند و از آن کناره بگیرد.

بیانات در دیدار زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۳۸۰/۱۲/۱۲

منطق امام بزرگوار ما...

مظهر این بیداری اسلامی کسانی نیستند که امروز چهره‌ی تروریسم را در دنیای اسلام دارند نشان میدهند. کسانی که در عراق این جنایتها را میکنند؛ کسانی که در دنیای اسلام، به نام اسلام علیه مسلمانها فعالیت میکنند؛ کسانی که مهمترین وظیفه‌ی خود را ایجاد اختلاف بین مسلمانها - تحت عنوان شیعه و سنی، تحت عنوان قوم‌گرایی - قرار میدهند؛ اینها نمیتوانند به‌هیچ‌وجه نمایشگر و نماد بیداری اسلامی باشند؛ این را خود مستکبران هم میدانند. همان کسانی که سعی میکنند اسلام را در چهره‌ی گروههای متحجر و دهشت‌افکن به دنیای غرب معرفی کنند، میدانند که واقعیت غیر از این است. اسلامی که امروز بیداری آن را دنیای اسلام دارد احساس میکند، اسلام فکر و اندیشه و تعمق و حرف نو است؛ اسلام ارائه‌ی راه‌حلهای زندگی برای گشودن گرههای زندگی بشریت است؛ نه اسلام متحجر، نه اسلام چشم‌پسته و نه اسلام دور از هرگونه آزاد فکری؛ این را مستکبران میفهمند....

امروز شعار جمهوری اسلامی، آزادفکری است؛ توسعه‌ی علم و معرفت است؛ توجه به حقوق انسانها و اختیارات انسانهاست؛ مهربانی و مهرورزی میان افراد انسان است؛ اینها شعار و پیام اسلام است؛ دنیا دنبال اینهاست....

منطق امام بزرگوار ما، منطق عقل، منطق فکر، منطق عمل روشن‌بینانه، منطق انسانیت و هنجار انسانی و اخلاق

انسانی و فضائل اخلاقی بود؛ دنیا دنبال این است. مظهر
بیداری اسلامی کسانی نیستند که با چهره‌ی عبوس و
گرفته‌ی خود با همه‌ی دنیا - حتی با مؤمنین و مسلمین
- مواجه میشوند؛ عده‌ی را تکفیر میکنند؛ عده‌ی را با
قوم‌گرایی، عده‌ی را با طایفه‌گرایی، عده‌ی را به بهانه‌های
نادرست مورد تهاجم قرار میدهند.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام

۱۳۸۴/۰۶/۱۱

فکر اسلام و شریعت اسلام باید...

یکی از هدفهای مهمی که در این انقلابها باید مورد توجه قرار بگیرد، این است که اسلام از محوریت خارج نشود. اسلام باید محور باشد. فکر اسلام و شریعت اسلام باید محور باشد. سعی کردند و انمود کنند که شریعت اسلامی با پیشرفت و تحول و تمدن و اینها سازگار نیست. این، حرف دشمن است؛ نخیر، کاملاً سازگار است. البته در دنیای اسلام کم نیستند کسانی که با روحیهی تحجر و ارتجاع و جمود و عدم قدرت اجتهاد توانسته‌اند این حرف دشمن را به نحوی تبیین و اثبات کنند. اینها مسلمانند، اما در خدمت آنهایند. ما در اطراف خودمان، در برخی از این کشورهای اسلامی، از این قبیل داریم؛ اسمشان مسلمان است، اما یک ذره فکر نو، نگاه نو، فهم نو از معارف اسلامی، انسان در آنها مشاهده نمیکند. اسلام مال همیشه‌ی دنیاست، اسلام مال همه‌ی قرن‌هاست، اسلام مال همه‌ی دورانهای پیشرفت بشری است؛ جوابگوست. آن فکری که بتواند پاسخگوئی اسلام را به این نیازها بفهمد، باید آن را پیدا کرد. بعضیها این فکر را ندارند؛ فقط بلدند این را تکفیر کنند، آن را تفسیق کنند، اسم خودشان را هم مسلمان بگذارند. در نهایت هم یک وقتگاهی انسان میبیند که در یک مواردی سرشان با سر مزدوران دشمن در یک آخور است!

بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی اساتید دانشگاه‌های جهان اسلام و بیداری اسلامی

۱۳۹۱/۰۹/۲۱

انتظار داریم اهل فکر...

انتظار داریم اهل فکر و اهل نظر در مراکزی که میتوانند و اهلیت و صلاحیت این کار را دارند، در این زمینه‌ها کار کنند، فکر کنند، مطالعه کنند؛ بتوانیم پیش برویم. مراقب باشیم دچار سطحی‌گری و ظاهرگرایی نشویم، دچار تحجر نشویم - این یک طرف قضیه است - دچار سکولاریسم پنهان هم نشویم. گاهی اوقات در ظاهر، تبلیغات، تبلیغات دینی است؛ حرف، حرف دینی است؛ شعار، شعار دینی است؛ اما در باطن، سکولاریسم است؛ جدائی دین از زندگی است؛ آنچه که بر زبان جاری میشود، در برنامه‌ریزی‌ها و در عمل دخالتی ندارد. ادعا میکنیم، حرف میزنیم، شعار میدهیم؛ اما وقتی پای عمل به میان می‌آید، از آنچه که شعار دادیم، خبری نیست.

بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی

در مصلى امام خمینی بجنورد

۱۳۹۱/۰۷/۲۳

پیام مهم رهبر انقلاب به جوانان اروپا و آمریکای شمالی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

به عموم جوانان در اروپا و آمریکای شمالی

حوادث اخیر در فرانسه و وقایع مشابه در برخی دیگر از کشورهای غربی مرا متقاعد کرد که درباره‌ی آنها مستقیماً با شما سخن بگویم. من شما جوانان را مخاطب خود قرار میدهم؛ نه به این علت که پدران و مادران شما را ندیده می‌انگارم، بلکه به این سبب که آینده‌ی ملت و سرزمینتان را در دستان شما میبینم و نیز حسّ حقیقت‌جویی را در قلبهای شما زنده‌تر و هوشیارتر می‌یابم. همچنین در این نوشته به سیاستمداران و دولتمردان شما خطاب نمیکنم، چون معتقدم که آنان آگاهانه راه سیاست را از مسیر صداقت و درستی جدا کرده‌اند.

سخن من با شما درباره‌ی اسلام است و به‌طور خاص، درباره‌ی تصویر و چهره‌ای که از اسلام به شما ارائه میگردد. از دو دهه پیش به این سو — یعنی تقریباً پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی — تلاشهای زیادی صورت گرفته است تا این دین بزرگ، در جایگاه دشمنی ترسناک نشانده شود. تحریک احساس رعب و نفرت و بهره‌گیری از آن، متأسفانه سابقه‌ای طولانی در تاریخ سیاسی غرب دارد. من در اینجا نمیخواهم به «هراس‌های» گوناگونی که تاکنون به ملت‌های غربی القاء شده است، بپردازم. شما خود با مروری کوتاه بر مطالعات انتقادی اخیر پیرامون تاریخ، می‌بینید که در

تاریخننگاری‌های جدید، رفتارهای غیر صادقانه و مزورانه‌ی دولتهای غربی با دیگر ملت‌ها و فرهنگهای جهان نکوهش شده است. تاریخ اروپا و امریکا از برده‌داری شرمسار است، از دوره‌ی استعمار سرافکننده است، از ستم بر رنگین‌پوستان و غیر مسیحیان خجل است؛ محققین و مورّخین شما از خونریزی‌هایی که به نام مذهب بین کاتولیک و پروتستان و یا به اسم ملیت و قومیت در جنگهای اول و دوم جهانی صورت گرفته، عمیقاً ابراز سرافکندگی میکنند.

این به‌خودی‌خود جای تحسین دارد و هدف من نیز از بازگردن بخشی از این فهرست بلند، سرزنش تاریخ نیست، بلکه از شما میخواهم از روشنفکران خود پرسید چرا وجدان عمومی در غرب باید همیشه با تأخیری چند ده ساله و گاهی چند صد ساله بیدار و آگاه شود؟ چرا بازنگری در وجدان جمعی، باید معطوف به گذشته‌های دور باشد نه مسائل روز؟ چرا در موضوع مهمی همچون شیوه‌ی برخورد با فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی، از شکل‌گیری آگاهی عمومی جلوگیری میشود؟

شما بخوبی میدانید که تحقیر و ایجاد نفرت و ترس موهوم از «دیگری»، زمینه‌ی مشترک تمام آن سودجویی‌های ستمگرانه بوده است. اکنون من میخواهم از خود پرسید که چرا سیاست قدیمی هراس‌افکنی و نفرت‌پراکنی، این بار با شدتی بی‌سابقه، اسلام و مسلمانان را هدف گرفته است؟ چرا ساختار قدرت در جهان امروز مایل است تفکر اسلامی در حاشیه و انفعال قرار گیرد؟ مگر چه معانی و ارزشهایی در

اسلام، مزاحم برنامه‌ی قدرتهای بزرگ است و چه منافعی در سایه‌ی تصویرسازی غلط از اسلام، تأمین می‌گردد؟ پس خواسته‌ی اول من این است که درباره‌ی انگیزه‌های این سیاه‌نمایی گسترده علیه اسلام پرسش و کاوش کنید.

خواسته‌ی دوم من این است که در واکنش به سیل پیشداوری‌ها و تبلیغات منفی، سعی کنید شناختی مستقیم و بی‌واسطه از این دین به دست آورید. منطق سلیم اقتضاء میکند که لااقل بدانید آنچه شما را از آن می‌گریزانند و می‌ترسانند، چیست و چه ماهیتی دارد. من اصرار نمی‌کنم که برداشت من یا هر تلقی دیگری از اسلام را بپذیرید بلکه می‌گویم اجازه ندهید این واقعیت پویا و اثرگذار در دنیای امروز، با اغراض و اهداف آلوده به شما شناسانده شود. اجازه ندهید ریاکارانه، تروریست‌های تحت استخدام خود را به عنوان نمایندگان اسلام به شما معرفی کنند. اسلام را از طریق منابع اصیل و مأخذ دست اول آن بشناسید. با اسلام از طریق قرآن و زندگی پیامبر بزرگ آن (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) آشنا شوید. من در اینجا مایلم بپرسم آیا تاکنون خود مستقیماً به قرآن مسلمانان مراجعه کرده‌اید؟ آیا تعالیم پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و آموزه‌های انسانی و اخلاقی او را مطالعه کرده‌اید؟ آیا تاکنون به جز رسانه‌ها، پیام اسلام را از منبع دیگری دریافت کرده‌اید؟ آیا هرگز از خود پرسیده‌اید که همین اسلام، چگونه و بر مبنای چه ارزشهایی طی قرون متمادی، بزرگ‌ترین تمدن علمی و فکری جهان را پرورش داد و برترین دانشمندان و متفکران را تربیت کرد؟

من از شما میخواهم اجازه ندهید با چهره پردازی‌های موهن و سخیف، بین شما و واقعیت، سدّ عاطفی و احساسی ایجاد کنند و امکان داوری بیطرفانه را از شما سلب کنند. امروز که ابزارهای ارتباطاتی، مرزهای جغرافیایی را شکسته است، اجازه ندهید شما را در مرزهای ساختگی و ذهنی محصور کنند. اگر چه هیچکس به صورت فردی نمیتواند شکافهای ایجاد شده را پر کند، اما هر یک از شما میتواند به قصد روشنگری خود و محیط پیرامونش، پلی از اندیشه و انصاف بر روی آن شکافها بسازد. این چالش از پیش طراحی شده بین اسلام و شما جوانان، اگر چه ناگوار است اما میتواند پرسش‌های جدیدی را در ذهن کنجکاو و جستجوگر شما ایجاد کند. تلاش در جهت یافتن پاسخ این پرسش‌ها، فرصت مغتنمی را برای کشف حقیقت‌های نو پیش روی شما قرار میدهد. بنابراین، این فرصت را برای فهم صحیح و درک بدون پیشداوری از اسلام از دست ندهید تا شاید به یمن مسئولیت‌پذیری شما در قبال حقیقت، آیندگان این برهه از تاریخ تعامل غرب با اسلام را با آزرده‌گی کمتر و وجدانی آسوده‌تر به نگارش درآورند.

سیدعلی خامنه‌ای

۱۳۹۳/۱۱/۱



